

سنگین
کوه
در کارخانه‌ی شکلات‌سازی

رنه‌گوسینی
و
ژان ژاک سامپه



سرشناسه: گوسینی، ۱۹۲۶-۱۹۷۷ م Goscinyy
 عنوان و نام پدیدآور: نیکولا کوچولو در کارخانه شکلات‌سازی / رنه گوسینی، ترجمه‌ی ناهید طباطبایی
 مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۰
 مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص: مصور
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۰۲۱-۹
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: این کتاب ترجمه‌ی بخشی از کتاب Histoires inedites du petit Nicolas است.
 یادداشت گروه سنی: ج. د.
 موضوع: داستان‌های ماجراجویانه فرانسوی
 موضوع: داستان‌های طنزآمیز
 شناسه افزوده: سامپه، ۱۹۳۲ م
 sempe
 شناسه افزوده: طباطبایی، ناهید، ۱۳۳۷- مترجم
 رده‌بندی درجی: ۱۳۹۰ ن ۷۸۹۶ ک ۵۸۴۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۹۱۸۷۱

نیکولا کوچولو در کارخانه‌ی شکلات‌سازی

رنه گوسینی و

ژان ژاک سامپه
 ترجمه‌ی ناهید طباطبایی
 ویراسته‌ی فاطمه دفتری
 بطراح هنری و طراح گرافیک: علی بخشی
 بطراح همکار: اعظم مهدوی
 شمارگان: ۱۳۹۲، قیمت: ۱۱۰۰۰ نسخه
 ناشر همکار: نشر نامک
 چاپ و صحافی: کاوا
 چاپ اول: ۱۳۹۲، چاپ دوم: ۱۳۹۳
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۰۲۱-۹
 حقی چاپ محفوظ و مخصوص نشر کتاب پارسه است.



کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران
خ فخر رازی، خ شهدای زاندارمری شرقی،
شماره ۷۴، طبقه دوم،
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
تلفن: ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parschbook.com
info@parschbook.com



اود

خیلی قوی است و دوست دارد توی دماغ بچه‌ها بکوبد.



آلسست

بهترین دوستم، پسر چاقی که مرتب در حال خوردن است.



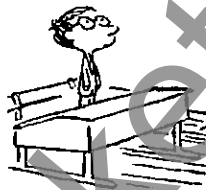
نیکولا

خیلی باحال!



ماری - ادویژ

ماری خیلی باحال است، فکر می‌کنم بعدها با هم ازدواج کنیم.



آنیان

شاگرد اول کلاس و عزیز دانه‌ی خانم معلم است. خیلی از او خوش‌مان نمی‌آید.



ژفرونا

بابایش خیلی پولدار است و هرچه دوست دارد برایش می‌خرد.



کلوتر

شاگرد آخر کلاس است. وقتی خانم معلم از او سوالی می‌کند، همیشه از زنگ‌تفریح محروم می‌شود.



روفوس

یک سوت دارد و بابایش پلیس است.



ژوناشم

باید بگویم خیلی خوب تیه‌بازی می‌کند؛ وقتی می‌زند، بنگ! هیچ‌وقت خطا نمی‌کند.



بابا

خیلی بعد از این که من از مدرسه می‌آیم، بابا از اداره می‌آید، ولی مشق شب ندارد.



مامان

خیلی مهربان و خوشگل است و شیرینی شکلاتی‌های خوشمزه درست می‌کند.



آقای بلدور

همسایه‌ی ماست و دوست دارد با بابا شوخی کند.



مامان بزرگ

خیلی مهربان است و کلی چیز به من می‌دهد و به حرف‌های من می‌خندد.



باباغوری (آقای دوبون)

ناظم ماست و ما این جور صدایش می‌کنیم. بچه‌های کلاس بالاتر این اسم را رویش گذاشته‌اند.



خانم معلم

اگر خیلی ادا درنیاوریم خانم معلم مهربان و خوشگل می‌ماند.